

## تشابه جنبش شیعی بحرین با مدل انقلاب اسلامی ایران

غفار زارعی<sup>۱</sup>، سید رضا دهنداد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی ایران الگوی متمایز و جدیدی از مکاتب و ایسم های سیاسی در اواخر نیمه دوم قرن بیستم بود که با تاکید بر اسلام گرایی و مقابله با استبداد و استکبار منجر به الگوی سیاسی بسیاری از جنبش های سیاسی در جهان اسلام گردید. جنبش شیعی بحرین با توجه به بافت جمعیت شیعی و نماد های فرهنگ شیعی از جمله کشورهای دارای پتانسیل انقلاب شیعی در حوزه خلیج فارس می باشد که سعی دارد با تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی ایران به مبارزه با حاکمیت مستبد و مداخله گران خارجی بپردازد. این نوشتار در پی واکاوی مشخصات و ویژگی های مشترک جنبش شیعی بحرین با انقلاب اسلامی ایران است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بر اساس تحلیل متون و محتوا می باشد. فرضیه اصلی تحقیق بر اینست که جنبش شیعی بحرین با ویژگی هایی مانند رهبری روحانیت شیعه، شعائر اسلامی-شیعی، همبستگی مذهبی و تاثیر از فرهنگ ضد استبدادی ائمه اطهار(ع) در پی تحقق حکومت شیعی می باشد. تحقق چنین حکومتی در نتیجه به ثمر نشستن جنبش شیعی بحرین و تبدیل آن به یک انقلاب اسلامی تمام عیار در بعد داخلی و خارجی است.

واژه های کلیدی: شیعه، انقلاب ایران، بیداری اسلامی، بحرین.

## ۱- مقدمه

جنبش شیعی بحرین با توجه به پتانسیل‌ها و توانمندی‌های فرهنگی و سیاسی از جمله جنبش‌های دارای نگرش ضد استبدادی در جهان اسلام است که بدنبال تحقق آرمان‌های مردمسالاری و تحقق آموزه‌های اسلامی در منطقه خلیج فارس می‌باشد. این جنبش با رویکرد و ابعاد نگرشی به اهداف و چشم‌اندازهایی نظر دارد که در بسیاری از موارد با ویژگی‌ها و محتوای انقلاب اسلامی ایران مشترک می‌باشد. ویژگی اصلی جنبشی اسلام‌گرایی می‌باشد. گفتمان اسلام‌گرایی بدنبال آن است که: اسلام را در مرکز نظام سیاسی-اجتماعی خود قرار دهد و تلاشی فراگیر برای پاک‌سازی جامعه مطابق با اصول اسلامی است. گفتمان اسلام‌گرایی یک طرح سیاسی-اجتماعی است که از طریق کسب قدرت سیاسی و برپایی حکومت دینی در جهت ساختن ساختارها و نهادهای اجتماعی برمبنای گزاره‌های اسلامی عمل می‌کند. این نیروی اجتماعی خواهان کسب قدرت سیاسی است؛ زیرا تنها از طریق دولت اسلامی است که می‌توانند جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی را بر اساس دین تنظیم کنند و ارزش‌ها و هنجارهای دینی را توسط دولت و از بالا پیاده کنند (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰). گفتمان اسلام‌گرایی در بحرین با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی ایران به بدنبال حاکمیت سیاسی اسلام و طرح تحقق مفاهیم و ارزش‌های اسلامی در قالب ساختارها و نهادها می‌باشد. ظهور اسلام‌گرایی به منزله یک مقوله سیاسی بیانگر ناتوانی روز افزون نظم کهن در دنیای اسلامی برای مقاومت در برابر درخواستهای اجرای طرح‌های اسلامی بود. اسلام در ذات خود دینی سیاسی است، ولی در طی تاریخ و باتوجه به تحولاتی که در جهان اسلام و نیز ارتباط آن با جهان خارج روی داد، زمینهای فراهم آمد که گرایش‌های مختلف اسلامی بر ابعاد سیاسی اسلام دوباره تأکید ورزند و از ظرفیت سیاسی و بسیج‌گرانه اسلام، برای مواجهه با دشمنان و برای ایستادن در مقابل حاکمان مستبد و منحرف و همچنین برای مقابله با آنچه خود انحراف می‌شمردند، استفاده کنند. بدیهی است که این مجموعه گسترده، که زیر عنوان اسلام سیاسی قرار می‌گیرد، در بردارنده گرایش‌های متفاوتی است که از واقع‌گرایانه تا آرمان‌گرایانه، معتدل تا رادیکال و از حقیقت‌جو و حقیقت‌طلب تا انحرافی امتداد دارد (مرشدی زاد و غفاری، ۱۳۸۶: ۱۲۸). جنبش بحرین با توجه به هویت اسلامی و احیاء ارزش‌ها و هنجارهای دینی در پی تحقق آرمانهای اسلامی بر اساس گفتمان اسلام‌گرایی است.

## ۲- پیشینه تحقیق

خواجه سروی (۱۳۹۱) نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز: وی بر این عقیده است که موج جدید بیداری اسلامی در جهان عرب از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته است و بر این اعتقاد است که انقلاب‌های شمال آفریقا و خاورمیانه عربی، بازتاب آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران در میان مردم منطقه و در راستای اهداف بلند آن است. زارعی (۱۳۹۲) خودباوری اسلامی- ایرانی و جنبش ضد استبدادی در جهان اسلام: در این مقاله با تأکید بر اینکه نهضت‌های اسلامی در جوهره حرکت خویش بدنبال تحقق اصول اسلام سیاسی و عینیت یافتن آموزه‌های اسلامی در ساختار سیاسی و قانون اساسی آن جوامع می‌باشند. احیای گفتمان اسلام سیاسی و حذف نظام‌های سکولار از جمله اهداف اصلی جنبش‌های ضد استبدادی در جهان اسلام می‌باشند.

حاتمی (۱۳۹۲) بررسی الگوپذیری خیزش‌های جدید خاورمیانه و شمال آفریقا از مدل انقلاب اسلامی یا مدل آمریکایی: مقاله بر آن است که رویکرد فراگیر مردم و نخبگان کشورهای دستخوش انقلاب در خاورمیانه و شمال آفریقا به مباحث ریشه‌های اسلامی باعث شد تا پدیده بیداری اسلامی با مرکزیت انقلاب اسلامی مد نظر قرار گیرد.

رضایی و جهانیان (۱۳۹۳) انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن، هدف اصلی این مقاله تجزیه و تحلیل روند انقلاب در کشور بحرین است. انقلاب بحرین هم‌اکنون در یک وضعیت گذار به سر می‌برد که با تعریف یک دوره بی‌ثباتی و پیش‌بینی محدود قابل فهم بوده؛ چرا که مسیر و جهت‌گیری روند این انقلاب عمیق اجتماعی هنوز نامشخص است.

هزاوه‌ای (۱۳۹۱) انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه، مقاله به ارتباط انقلاب اسلامی ایران با پدیده بیداری اسلامی و موضوع اسلام سیاسی و همچنین تأثیر انقلاب اسلامی بر این مقوله می‌پردازد. یافته‌های پژوهش

حاکمی از آن است که تحولات اخیر موسوم به بیداری اسلامی، بستر مناسبی برای تقویت اسلام سیاسی در منطقه را فراهم خواهد نمود.

### ۳- مفهوم جنبش

اصطلاح جنبش یا حرکت از واژه (movement) گرفته شده است که بار معنایی خاصی را در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی برای تبیین تحولات سیاسی تعریف می‌نماید. جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی موجود تعریف نمود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۷۹). به عبارت بهتر، جنبش یک حرکت گسترده اجتماعی و فراحزبی می‌باشد که ممکن است گروهها، طرز فکرها و جریان‌های مختلفی را در جهت اهداف گسترده در یک کشور را در بر گیرد (موتقی، ۱۳۸۵: ۳). بنابراین جنبش یک حرکت جمعی متشکل از افرادی می‌باشد که دارای اهداف مشترکی هستند و در جهت رسیدن به آن هدف مشترک به کنش جمعی مبادرت می‌نمایند. این کنش جمعی دارای انتظارات و توقعات خاصی می‌باشد که مطابق با آن انتظارات تمایز گذاری می‌گردد. آنتونی گیدنز جنبش‌های اجتماعی را برحسب ماهیت و اهدافشان به چهار دسته تقسیم می‌نماید که عبارتند از:

- ۱- جنبش دگرگون ساز که هدف چنین جنبشی دگرگونی سریع، جامع و خشونت آمیز است. مثل جنبش انقلابی.
- ۲- جنبش اصلاح طلبی، که دارای اهداف محدودند و بدنبال تغییر برخی نظم‌های اجتماعی هستند.
- ۳- جنبش رستگاری بخش که درصدد نجات افراد از زندگی فاسدکننده می‌باشند.
- ۴- جنبش تغییر دهنده که هدفشان ایجاد تغییر جزئی در افراد است (گیدنز، همان).

جنبش‌های دگرگون ساز به دلیل ژرف نگری و تغییرات عمیق، بیشتر در حوزه مسائل سیاسی و تغییر حکومت‌ها نمایان می‌گردد. چنین جنبش‌هایی مقدمه انقلاب‌های سیاسی بزرگ در یک کشور می‌باشند که فقط به سرنگونی حاکمان و تغییر شیوه حکومتی خرسند می‌باشند. مبنای رشد شعور سیاسی برای شکل‌گیری چنین جنبش‌هایی در شناخت فرهنگی و باورهای متعالی افراد در جهت دستیابی به ارزش‌های بالاتر و برتر نهفته شده است. آلن تورن یکی از صاحب‌نظران در حوزه جنبش‌های اجتماعی می‌باشد که بدلیل توجه به سیاست فرهنگی و تاثیرگذاری آن بر تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی، یکی از پیش‌تازان در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی می‌باشد. تورن با تأکید بر دستیابی جنبش‌های اجتماعی به حق تعیین سرنوشت، سعی می‌نماید که ماهیت جنبش‌های اجتماعی را در اهداف کنشگران نسبت به آزادی عمل و اراده آگاهانه آنها در جهت افکار و خواسته‌هایشان توضیح دهد. آلن تورن بر این عقیده است که امروزه جنبش‌های اجتماعی مستقیماً بر سر شرایط اجتماعی حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند. جامعه معاصر بیش از گذشته از طریق فرهنگ بر روی خود تأثیر می‌گذارد (کیت‌نش، ۱۳۸۲). عامل فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و رشد آگاهی شهروندان سبب گردیده است که جنبش‌های اجتماعی جدید برخلاف جنبش‌های پیشین از لحاظ ماهوی تفاوت زیادی داشته باشند. آلبرتو ملوچی با تأکید بر تفاوت جنبش‌های گذشته و جدید، معتقد است که جنبش‌های اجتماعی جدید قبل از هرچیزی از طریق شبکه‌های شناور نامحسوس تقویت می‌گردند که بوسیله آنها تجربیات زندگی منتقل می‌شوند. جنبش‌های اجتماعی جدید بر خلاف هم‌تایان قرن نوزدهمی شان معطوف به مبارزه بر سر تولید منابع مادی، توزیع شان یا جلوگیری از حقوق شهروندی بوسیله دولت‌ها نیستند، بلکه معطوف به دسترسی به اطلاعات و منابع سمبلیک می‌باشند و قبل از هرچیز به مبارزه در حوزه فرهنگ توجه دارند (کیت‌نش، همان: ۱۷۱-۱۷۰). موضوع دیگر در ارتباط با ماهیت و اهداف جنبش‌ها به سطح موفقیت و ناکامی آنها بر می‌گردد. معمولاً جنبش‌های اجتماعی موفقیت آمیز به نهادینه شدن بسیاری از برنامه‌ها می‌انجامند. این جنبش‌ها افرادی را که در گذشته مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، حمایت می‌نمایند و سعی می‌نمایند که تغییراتی را در قانون اساسی بوجود آورند که زندگی مطلوب و بهتری را برای میلیون‌ها انسان به ارمغان آورد (کوئن، ۱۳۸۲: ۴۱۲). بنابراین جنبش‌های اجتماعی جدید مفاهیم فرهنگ، نگرش فرهنگی و حقوق سیاسی را در سرلوحه اهداف شان قرار داده‌اند و با این رویکرد به مسائل اجتماعی-سیاسی می‌نگرند.

### ۴- ویژگی جنبش‌های اسلامی

جنبش های اسلامی بدلیل خصوصیات و ویژگی های اسلامی و محتوی دینی آنها از معیارهای خاصی برخوردارند. جنبش های اسلامی با الگوگرفتن از احکام و متون دینی یک بار ارزشی -دینی را در درون خویش حمل می نمایند. جنبش دینی یک حرکت اجتماعی و گسترده مردمی است که رهبری، اهداف و طرز فکر غالب بر آن صبغه دینی دارد. یعنی از موضع دین درصدد تغییرات برآید و اهداف سیاسی-اجتماعی را مد نظر قرار داده باشد. پس معیار دینی بودن یک جنبش آن است که از موضع دین بدنبال تغییر وضع موجود برای نیل به اهدافی باشد که در رابطه با دین تعیین شده اند (موثقی، همان). بنابراین دین و آموزه های دینی در جنبش های اسلامی نقشی تعیین کننده دارند. جنبش های دینی بدنبال حضور همه جانبه دین در عرصه های زندگی اجتماعی می باشند. این جنبش ها، دین را نهادی جامع و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی زندگی انسان می دانند و بر حضور دیانت در همه عرصه ها بخصوص در عرصه سیاست اهتمام می ورزند. جنبش های اسلامی با تاکید بر گفتمان اسلام گرایی، اولاً: به این موضوع اعتقاد دارند که جوامع اسلامی از وضعیت مطلوب و شایسته یک جامعه اسلامی فاصله دارند. ثانیاً: به ضرورت رجوع به قرآن و سنت برای بنیان گذاشتن طرح نوینی از زندگی جدید که بر اساس قابلیت ها و ظرفیت های دینی باشد اعتقاد دارند (سعید، همان: ۸). چنین نگرشی ریشه در بیداری اسلامی دارد که تقریباً در دو سده اخیر به نام دین و دینداری در جهان اسلام شکل گرفته است. جنبش های اسلامی معاصر، خواهان بر چیده شدن ظلم، فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز در آوردن پرچم اسلام در سراسر جهان از طریق نفی قدرت ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده های مردم می باشند. جنبش های اسلامی متأثر از عواملی همچون رهبری، ژرفای بیداری، شرایط سیاسی، اجتماعی و بسیج سیاسی توده ها بوده است. مهمترین بخش جنبش های اسلامی، نهاد سازی و تشکیل حکومت اسلامی می باشد. در مواردی جنبش های اسلامی به نهادسازی در سطح خرد و کلان انجامیده اند. در چنین مواردی، جنبش حلقه وصل بین بیداری اسلامی و ایجاد نهاد بوده است. ایران نمونه خوبی برای نشان دادن چگونگی و مراحل تبدیل بیداری به جنبش اجتماعی و سپس تبدیل جنبش به یک نهاد و حکومت اسلامی می باشد (الویری، ۱۳۸۴: ۲۲۳). در صورت تبدیل شدن جنبش به نهاد، جنبش از مرحله باور و آگاهی به مرحله عینی و قانونگذاری می رسد و ارزش ها و باورهای اسلامی -دینی در قالب نهادهای حکومتی تبلور می یابند. نهاد سازی منجر به تحکیم قدرت و رشد اندیشه سیاسی اسلامی برای اداره عمومی جامعه می گردد. با شروع مرحله نهاد سازی، محتوای قانونی و حقوقی سازمان ها و نهادها برای اداره جامعه متحول می گردد.

##### ۵- انقلاب اسلامی ایران

هر پدیده یا واقعه سیاسی برحسب نوع و نفوذ آن دارای آثار و بازتاب خاصی می باشد. معمولاً بازتاب و اثرگذاری وقایع سیاسی را برحسب میزان توسعه نفوذ مشخص می نمایند. برای مثال برخی از انقلابات ممکن است به دلیل سطحی بودن بمرور زمان منحل و به اضمحلال و انحراف کشیده شوند و در عوض برخی از انقلابات به دلیل ریشه مردمی و تدبیر نخبگان سیاسی علاوه بر ثبات درونی به قدرت نافذ بیرونی منجر گردند. انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلاب های بزرگ اسلامی است که از پشتوانه مردمی و تدبیر نخبگان سیاسی برخوردار بوده است. انقلاب اسلامی ایران دارای دستاوردهای زیادی بوده است که دو ویژگی آن عبارتند از: استبداد ستیزی و خودباوری اسلامی - ایرانی (زارعی، ۱۳۹۲). انقلاب اسلامی با در هم شکستن استبداد پهلوی، زمینه خودباوری و اعتماد بنفس سیاسی را در جامعه محقق نمود و این خودباوری به سایر ممالک اسلامی سرایت نمود. همچنین دو عامل مردمی و رهبری تحت لوای ایدئولوژی مذهبی، انقلاب اسلامی ایران را تبدیل به یک جنبش بیدارگونه، احیاگر، هویت بخش، متنفذ و مستقل نموده است. به قول پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مسلمان اتریشی، اگر قرار باشد که تاریخی را برای احیای هویت دینی در جهان معاصر در نظر بگیریم آن تاریخ ۱۹۷۹ م. است. یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت (حاجتی، ۱۳۸۴: ۵۹). انقلاب اسلامی ایران با نفی سکولاریزم و نفی ایدئولوژیهای غربی و شرقی، زمینه خودباوری و احیاگری تفکرات و جنبش هایی را که توان مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی را نداشتند، تقویت نمود. این خیزش اسلامی جغرافیای فرهنگی-سیاسی وسیعی را در بر می گیرد. پیترال برگر بر این عقیده است که:

خیزش اسلامی پهنه جغرافیایی وسیعی را در بر گرفته و کلیه کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب شرق آسیا را تحت تاثیر قرار می دهد و هر روز طرفداران بیشتری در مناطق مختلف پیدا می کند (برگر، ۱۳۸۰: ۲۳). تحولات سیاسی بسیاری از کشورهای اسلامی، تبیین کننده اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران می باشد. کافی است که تحولات سیاسی شکل گرفته در سه دهه اخیر در کشورهای مانند لبنان، فلسطین، عراق، مصر، سوریه، تونس، عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، پاکستان، کشمیر، آذربایجان، ترکیه و آسیای مرکزی را بررسی کنیم تا تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی ایران را بر مردم، دولت، گروهها و جنبش های اسلامی این کشورها دریابیم (فراستی، ۱۳۸۱). این اثرگذاری بخصوص در ارتباط با کشورهای شیعی نشین، خیلی بیشتر بوده است، در کشورهایی که حتی اقلیت شیعی بدلیل محدودیت سیاسی از تحرک کمتری برخوردار بوده است باز هم دولتها سعی می کرده اند با سیاست های تفرقه اندازی و سرکوب سیاسی از رشد جنبش ها جلوگیری نمایند. با همه این محدودیت ها و موانع گذاری بر سر راه جنبش های شیعی در عربستان، بحرین و لبنان، جغرافیای سیاسی شیعه در منطقه از توان و پتانسیل بالایی در جهت بیداری و حرکت های اسلامی برخوردار بوده است. نقش بیداری اسلامی در تفکر شیعه باعث شده است که انقلاب اسلامی ایران و جنگ داخلی در لبنان، شیعی گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیکی در خط مقدم صحنه بین المللی قرار دهد (توآل، ۱۳۸۴: ۲۰).

#### ۶- جنبش شیعی بحرین

اولین نشانه های اعتراضات سیاسی در جهان اسلام را می توان در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی مشاهده نمود. تحولات در تونس با خود کشی بوعزیزی در ۱۷ دسامبر آغاز و در ۱۴ ژانویه با فرار بن علی وارد مرحله جدیدی گردید. دیری نگذشت که اعتراضات به مصر کشیده شد و در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م. به اوج خود رسید. روند اعتراضات در ۴ فوریه با سخنرانی مصطفی العدوی مبنی بر حرام بودن قیام علیه حاکم و نیز ۷ مه که موجب درگیری میام مسلمانان و مسیحیان شد به خشونت کشیده شد و واقعه مسجد نور در عباسیه قاهره در ماه آوریل این قیام را به نتیجه رساند که در نهایت منجر به کناره گیری حسنی مبارک از قدرت گردید (آجیلی و دیگران، ۱۳۹۲). دامنه اعتراضات در فوریه و مارس ۲۰۱۱ م. به کشور بحرین رسید که در پی سرکوب شدید دولت، ۳۰ نفر که اغلب آنها رهگذر بودند کشته شدند. در نیمه نخست مارس بحران بالا گرفت و بسیاری از معترضان در میدان لوء لوء جمع شدند. همزمان با تهدید امنیتی رژیم و نیز اتفاقات مصر و تونس این اعتراضات توسط آل خلیفه به خشونت کشیده شد. که در نهایت لغو قانون فوق العاده و عقب نشینی آل خلیفه در اواسط ژوئن را در پی داشت (آجیلی، همان). جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه همان سال به اوج خود رسید و بیش از یکصد هزار معترض در میدان لوء لوء گرد هم آمدند. دولت حاکم بر بحرین نیز اجرای تاکتیکهای زور و سرکوب و دستگیری رهبران مبارز را در دستور کار خود قرار داد (دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۶). به این ترتیب جنبش بحرین وارد مرحله درگیری و اعتراضات خشونت آمیز بین مخالفان و حکومت آل خلیفه گردید. اگر جنبش بحرین با کمک عوامل بیگانه و نیروهای سرکوبگر داخلی متوقف نشده بود الان در منطقه یکی از انقلابات شیعی را شاهد بودیم که بسیاری از تغییرات و تحولات را در حوزه ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس به همراه داشت. با این وجود جنبش بحرین یک جنبش زنده، فعال و پویا می باشد که عملا به دنبال تحقق انقلاب اصیل و اسلامی می باشد. با توجه به مباحث مطرح شده، مشخصه هایی مانند رهبری مذهبی (نقش نخبگان)، بسیج سیاسی مردم (مردمی بودن) و استبداد ستیزی از جمله ویژگی های مشترک جنبش فوریه بحرین و انقلاب اسلامی ایران است که در اینجا به بحث و بررسی پیرامون آنها می پردازیم:

#### ۶-۱- رهبری مذهبی

یکی از ویژگی های مشترک جنبش بحرین با انقلاب اسلامی ایران، نقش موثر و نافذ روحانیت و رهبری مذهبی می باشد. رهبری در اینجا به معنای گروه و طبقه مذهبی تحت امر یک مرجعیت عالیقدر شیعی می باشد که بر اساس آن فرایند انقلاب را مدیریت و راهبری می نماید. دو ویژگی هماهنگی بین اعضای گروه و مقبولیت عام از عمده ویژگی های رهبری است. رهبری عبارت است از قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیت های اعضای گروه به منظور دست یابی به هدف می باشد. (Moorhead & Griffin, 2001) چه به لحاظ ویژگی روانشناسی و چه به دلیل ویژگی جامعه شناختی در برقراری ارتباط با پیروان و اعضای گروه، نقش رهبر حائز اهمیت است. کشور بحرین از جمله

کشورهای دستخوش تحولات انقلابی است که انقلاب آن از رهبری منسجمی برخوردار است. در میان شخصیت‌های موجود در کشور بحرین کسی که بیشترین تأثیرگذاری را بر انقلاب بحرین دارد، آیت‌الله «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» است. حمایت ایشان از حرکت‌های اجتماعی در بحرین نقش تعیین کننده‌ای در حضور مردم و شکل‌گیری تحولات انقلابی دارد. (نجفی و صادق بلندیان، ۱۳۹۲) سید مجید المشعل رئیس شورای علمای بحرین درباره نقش آیت‌الله شیخ عیسی قاسم در رهبری مبارزات مردم بحرین و جایگاه ایشان در بحرین می‌گوید: ایشان شخصیتی اسلامی و بزرگ و از فقها و رهبران بزرگ جهان اسلام و از رهبران و شخصیت‌های ملی بحرین است که دغدغه اسلام و بحرین را دارد و ضامن امنیت کشور و مردم و جنبش عدالت و مسالمت آمیز مردم است. ایشان از همان روزی که از مردم خواست انقلاب خود را به صورت مسالمت آمیز پیگیری کنند، حمایت خود را از قیام مردم قطع نکرده و به مقتضای وظیفه شرعی و وزانت اجتماعی و سیاسی و اخلاص ایشان در بحرین است که مردم به ایشان اعتقاد دارند و ایشان را به عنوان رهبر و راهنما و سرپرست انقلاب مسالمت آمیز خود پذیرفته‌اند و ما بحمدالله رهبری آگاه و متدین داریم که منافع کشور و مردم را حفظ می‌کند بدون اینکه هیچ‌گاه مردم را دعوت به خشونت کرده باشد. (<http://www.shia-news.com/fa>) راهکارهایی را که دولت بحرین علیه رهبران دینی شیعه - که از نحوه توزیع قدرت در کشور انتقاد کرده بودند - به کار بسته بود؛ در ایجاد حالت دهشت و ترس در میان شیعیان تأثیر بسزایی داشت و موجب شد تا بسیاری از آنها که آمادگی در پیش گرفتن راههای خشونت طلبانه را داشتند، این حس را در نهاد خود تقویت کنند. بازداشت و تبعید رهبران شیعه روحیه پیروانشان را برای قربانی ساختن خود در راه انتفاضه تحکیم بخشید و این اقدامات در نهایت موجب شد تا آزادی گروههای شیعه تنها به مساجد محدود گردد و مراکز اجتماعی آنها تعطیل و یا متفرق گردید، این ممنوعیت‌ها و شکنجه‌گریها علیه تشیع نقش مستقیمی در وخیم تر شدن اوضاع شد. به عبارتی دیگر، عنصر دینی موجود در این بحران موجب تحکیم و انسجام بیش از پیش وحدت در میان شیعیان می‌گردید. (اوتامانیل، ۱۳۸۲) در ارتباط با نقش مشابه امام خمینی(ره) در دوران مبارزات انقلابی، می‌توان به این نکته مهم اشاره نمود که مشروعیت ایشان به حدی بود که گروه‌های غیر اسلام‌گرا می‌دانستند عدم پذیرش حداقل ظاهری ایشان به مثابه رهبر انقلاب، آینده سیاسی آنها را در ایران پس از انقلاب، با ابهام و تزلزل مواجه می‌کند. مهم‌ترین فرصتی که عامل رهبری برای جنبش انقلابی مردم ایران فراهم می‌کرد، جلوگیری از انحراف و مصادره انقلاب از سوی قدرت‌های بزرگ و عوامل رژیم و هشدارهای بهنگام در این خصوص تا دستیابی به موفقیت کامل بود. (پور سعید، ۱۳۹۰). بنابراین رهبران انقلاب‌های ایران و بحرین با نگرش مذهبی، مبارزه ضد استبدادی، تحکیم مبانی وحدت علیه هدف مشترک، بسیج سیاسی مردم، سازمان دهی بر اساس شعائر اسلام سیاسی و اهتمام و استواری در رسیدن به اهداف عالی ایدئولوژیکی دارای وجوه مشترک می‌باشند.

## ۶-۲- مردم و بسیج مردمی

نام گذاری ۱۴ فوریه به عنوان نقطه آغاز قیام مردم بحرین به این معنی نیست که پیش از آن مردم بحرین اعتراضی نداشته‌اند. واقعیت این است که مردم بحرین از ۱۸۲۰ م. سرگرم مبارزه بوده‌اند تا ۱۹۷۱ م. با انگلیسی‌ها مبارزه می‌کردند و از آن زمان تا ۲۰۱۱ م. به صورت جسته و گریخته علیه آل خلیفه مبارزه کرده‌اند. اکثریت مردم بحرین در حاکمیت بحرین هیچ‌گاه نقشی نداشته‌اند و پست‌های کلیدی حاکمیت همواره در اختیار خاندان آل خلیفه بوده است. (فرازمند، ۱۳۹۲: ۱۹) در عین حال، با وجود اقدام‌های مستمر خاندان آل خلیفه برای تغییر هویت بحرینی‌ها و استخدام و تابعیت دادن به گروه‌های سنی مذهب مهاجر و حتی مسیحیان خارجی و سپردن پست‌های کلیدی به اقلیت اهل سنت و اعمال فشار و ایجاد محدودیت‌های فراوان برای شیعیان، هم اکنون نیز حدود ۷۰ درصد از جمعیت حدوداً یک میلیونی این سرزمین را شیعیان اثنی عشری تشکیل می‌دهند. لازم به ذکر است که بحرین پس از ایران، عراق و جمهوری آذربایجان، چهارمین مرکز شیعی در جهان اسلام است و علمای بزرگی از آن برخاسته‌اند. (روزنامه‌ی کیهان، ۱۳۹۰/۲/۱۴) یکی از ویژگی‌های مشترک جنبش بحرین و انقلاب اسلامی ایران این است که در هر دوی آنها مردم، تشکل‌ها، شخصیت‌های متنفذ و منتقد و اقشار زیادی از مردم از هر گرایش، مذهب و قومیت بر علیه نظام‌های سیاسی موجود به مخالفت برخاسته‌اند. جمعیت معترضان در ۲۲ فوریه همان سال به اوج خود رسید و بیش از یکصد هزار معترض در میدان لوه لوه گرد هم آمدند. دولت حاکم بر بحرین نیز اجرای تاکتیکهای

زور و سرکوب و دستگیری رهبران مبارز را در دستور کار خود قرار داد. (دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۶) علاوه بر حضور فیزیکی معترضین در خیابان ها، مردم بحرین با استفاده از رسانه های جمعی و شبکه های مجازی سعی نمودند با اطلاع رسانی و حفظ ارتباطات سیاسی زمینه همبستگی و انسجام بیشتر سیاسی در اعتراض به آل خلیفه را فراهم نمایند. در این کشور علی رغم هماهنگی الجزیره با تلویزیون رسمی بحرین در پوشش اخبار قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ م. که مورد انتقاد بسیاری از رسانه های مستقل نیز قرار گرفت. از زمان اعلام روز خشم توسط جوانان بحرینی در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ م. صفحات فیس بوکی فعالان سیاسی بحرینی وسیله انتشار هزاران تصویر و ویدئو از جنایات بشری آل خلیفه در میدان مروارید گردید و همچنین بلافاصله صفحه ای در فیس بوک ایجاد شد که به اخبار معترضان بحرینی می پرداخت که همچنان با فعالیت خود دارای ۸۰ هزار عضو می باشد. آماري که در مقایسه با جمعیت یک میلیون نفری بحرین چشمگیر به نظر می رسد. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸) بحرین مستعدترین کشور برای تحول در منطقه است. شیعیان که اکثریت را تشکیل می دهند از ساختار اصلی قدرت محروم اند در عین حال به دلایل وجود احزاب و مساجد دارای متشکل ترین جریان انتقاد می باشند. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۴۸) نقش مساجد و مرکز مذهبی در ایجاد همبستگی سیاسی و تحرک بسیج سیاسی مردم بحرین مانند انقلاب اسلامی ایران از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. به همین دلیل است که دولت بحرین با تخریب این مساجد و مراکز فرهنگی-مذهبی به دنبال تضعیف همبستگی مردم و عدم انسجام سیاسی مخالفان است. تعداد مساجدی که رژیم آل خلیفه با حمایت نیروهای آل سعود در بحرین ویران کرده است به بیست و پنج مسجد و تعداد حسینیه های ویران شده نیز به بیش از هفده حسینیه رسیده است. به گزارش شبکه تلویزیونی المنار، همچنین در حمله نیروهای بحرینی به سیصد و هفتاد و پنج حسینیه آسیب وارد شده است <http://www.entekhab.ir>. در ایران به هنگام انقلاب، حدود ۸ هزار مسجد، ۱۲۰۰ زیارتگاه و ۱۸۰ هزار روحانی وجود داشت. (پورسعید، ۱۳۹۰) نگرش جمعیت شیعی در بحرین بر اساس مبارزه با استبداد و استعمار، بر قراری عدالت و مشارکت سیاسی واقعی در حاکمیت بحرین می باشد. شباهت انقلاب ۱۴ فوریه بحرین با انقلاب اسلامی ایران وجود فرهنگ مشترک میان مردم ایران و بحرین به ویژه مواردی مانند پیروی از قیام امام حسین(ع)، رهبری قیام اخیر توسط سازمان روحانیت، تکیه بر شعارها و ارزشهای اسلامی، استفاده از مساجد و نماز جمعه به عنوان پایگاه قیام، فرهنگ شهادت، توکل بر خدا و حضور گسترده زنان مسلمان می باشد. (<http://islamtimes.org>).

### ۶-۳- استبداد و استبداد ستیزی

یکی از ویژگی های جنبش های اسلامی بخصوص انقلاب اسلامی ایران در عصر معاصر مبارزه با استبداد و مستبدین بوده است. مفهوم استبداد شکل انحرافی از قدرت می باشد که در جهت جهل، خود خواهی، خود پنداری، منفعت گرایی و تقابل با انسانیت است. هنگامی که خودکامگی در برترین سطح قدرت سیاسی به کار بسته شود، موجب شکل گیری حکومت استبدادی می شود. استبداد مستلزم و متضمن نظامی است که در آن، دولت در مقابل ملت هیچ گونه تعهد و مسئولیتی ندارد و اساس حکومت بر بی قانونی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۲) همچنین: حکومت استبدادی را می توان حکومت متمرکزی دانست که با فقدان یا ضعف شدید حاکمیت قانون، سیطره خودکامانه و سرکوب گرانه ای بر جامعه اعمال می کند. (قاضی مرادی، ۱۳۸۲: ۴۰) مشارکت سیاسی مردم در تعیین حق سرنوشت و آینده کشورشان از جمله مباحث مهمی است که نقطه مقابل استبداد می باشد. منظور از مشارکت سیاسی - اجتماعی، فعالیت های ارادی داوطلبانه است که از طریق آنها، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی و سیاسی سهیم می شوند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲) در نظام های استبدادی، هیچ سنت، قاعده و انضباطی حاکم بر تصمیمات شخص مستبد نیست. در واقع تفاوت میان نظام های استبدادی با نظام های دموکراتیک، جمهوری، الیگارشیک و یا حتی نظام های سلطنتی همین یکه سالارانه بودن شخص حاکم است. بنابراین گام اول، آگاهی بخشی نظری، مفهومی و مصداقی نسبت به مبانی نظام های استبدادی و بر ملا کردن تصمیم های بی قاعده شخص مستبد است. بر این اساس، مردم هر چه نسبت به حقوق خود آگاه تر شوند و اهمیت حضور خود در تصمیم گیری ها، تصمیم سازی ها و مشارکت در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در لایه های اجرایی، تصمیم گیری و نظارت را بیشتر و بهتر درک کنند، به طور قطع دامنه و

دایره مانور استبداد و نظام‌های استبدادی تقلیل پیدا می‌کند. در واقع آن اتفاقی که در انقلاب اسلامی ایران رخ داد یک تصویر روشن از مقابله با استبداد بود (افروغ، ۱۳۹۱). انقلاب اسلامی در تقابلی آشکار با حکومت استبدادی و ویژگی‌های فردمدارانه او، اهداف و غایات اجتماعی بلندی را در سطح داخلی و بین‌المللی طرح‌ریزی کرد. رهبر انقلاب در ابتدای نهضت، با طرح نظریه ولایت فقیه، مدل اداره جامعه و حکومت را بیان کرد. این امور حاکی از برنامه حساب‌شده و اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انقلاب است که با ماهیت و ویژگی‌های حکومت استبدادی در تعارض است و جایگاه مردمی نظام را نشان می‌دهد. (محمدی، ۱۳۸۶) مدل ضد استبدادی انقلاب اسلامی ایران و تاکید بر مردم سالاری دینی، راه را برای بسیاری از جنبش‌های اسلامی در منطقه برای تحقق مشارکت سیاسی فعالانه و آگاهانه مردم فراهم نموده است. مشروعیت و مشارکت سیاسی دو مفهوم کلیدی در انقلاب اسلامی ایران است که از یکسو بر اساس پایگاه اجتماعی مردم و از سوی دیگر بر نفی وابستگی سیاسی به قدرت‌های بزرگ قرار دارد. طی دو دهه اخیر مسئله مشروعیت سیاسی مهم‌ترین دغدغه آل خلیفه در بحرین بوده است. حضور گروه‌های تحصیل کرده و عدالت خواه و تضاد آن با نظام سلطنت استبدادی با توجه به وجود یک جامعه فرهنگی در بحرین (تضاد فرهنگ غربی با فرهنگ اصیل مردم) و همچنین بحث مهاجرت از جمله مسائل مهم پیش روی آل خلیفه در دهه‌های اخیر بوده است. (قاسمیان، ۱۳۹۱: ۴۰) بررسی خواسته‌های معترضین یعنی بازگشت تبعیدیان آزادی زندانیان سیاسی، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب، آزادی بیان و مطبوعات، برابری میان همه گروه‌ها از جمله شیعه و سنی، توقف دستگیری آزادی خواهان و لغو سانسور نشان می‌دهد قیام مردم بحرین نیز مانند اکثر قیام‌های اخیر ریشه در استبداد ستیزی دارد، تبعیض در کشور بحرین به صورت آشکار اعمال می‌گردد با توجه به اینکه بیش از هفتاد درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند و برای موزون نمودن بافت جمعیتی دولت به افراد سنی مذهب پاکستانی و کشورهای عربی تابعیت بحرینی اعطا می‌کند. (آجیلی و دیگران، ۱۳۹۲) یکی از ویژگی‌های مشترک انقلاب مردمی در ایران و بحرین گذر از مرحله استبداد و حصول به مردم‌سالاری دینی می‌باشد که بر اساس آن براندازی حکومت‌های موجود سیاسی در هر دو انقلاب از اهداف اساسی آنان بوده است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب موفق این مرحله ساختاری را پشت سر گذاشته و انقلاب بحرین با الگو برداری از انقلاب اسلامی ایران در جهت رسیدن به این هدف در تلاش است.

## ۷- نتیجه گیری

انقلاب اسلامی ایران با نگرش مردم‌سالاری دینی و تاکید بر استقلال سیاسی در عرصه داخلی و خارجی تاثیر بسزایی در شکل گیری جنبش‌های اسلامی در دنیای اسلام داشته است. علاوه بر تاثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی، موضوع تشابه انقلاب اسلامی با جنبش‌ها از دیگر جنبه‌های مهم انقلاب اسلامی ایران است که توانسته است با الهام بخشی و ارائه مدل پردازی، به نقش و حرکت جنبش‌های اسلامی از جمله جنبش بحرین مساعدت نماید. وجوه مشترک جنبش بحرین با انقلاب اسلامی در مشخصه‌های نقش رهبری، بسیج سیاسی مردم و مقابله با سیستم پادشاهی و استبدادی دارای همخوانی و همناختی می‌باشد. بنابراین جنبش بحرین به عنوان یک جنبش فعال، پویا و داری اثرگذاری سیاسی در دنیای اسلام بدنبال ارائه مدلی مطلوب از انقلاب اسلامی ایران با ویژگی‌های بومی-فرهنگی مردم بحرین می‌باشد. مدلی که براساس ان حاکمیت مردم‌سالاری دینی و اسلام‌گرایی سیاسی به دنبال پاسخگویی به نیازهای واقعی و راستین مردم بحرین می‌باشد. نقش علمای شیعه و انسجام سیاسی و فرهنگی گروه‌های انقلاب با تاکید بر فرهنگ ضد استبدادی منجر به شکل‌گیری یک حرکت بزرگ مردمی و خودانگیختگی سیاسی در میان همه معترضان بحرینی شده است. سرکوب شدید حکومت آل خلیفه و دخالت خارجی کشورهای متحد حکومت بحرین مانند عربستان در مبارزه با جنبش مردمی بحرین نشان دهنده آنست که این جنبش دارای یک حرکت عمیق مردمی و در جهت تحقق خواسته‌های اسلامی-شیعی حرکت می‌نماید و براساس شواهد و مدارک تاریخی و سیاسی در آینده به عنوان یک انقلاب مردمی در منطقه نقش سیاسی مهمی ایفا خواهد نمود.



## منابع

- ۱- آجیلی، هادی، گودرزی، کیهان، شربتی، وحید. (۱۳۹۲). آسیب شناسی قیام مردم بحرین؛ در قالب جنبش های اجتماعی نوین، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۴.
- ۲- ابراهیمی نبی الله. (۱۳۹۲). تاثیر شبکه های اجتماعی و کانال های ماهواره ای در وقوع و تکوین انقلاب های عربی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۳- اوتامانیل، حد. (۱۳۸۲). انتقاضه بحرین و روند اصلاح سیاسی در بحرین، ترجمه امیر جواهری، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره پاییز، صص ۱۳-۳۱.
- ۴- افتخاری اصغر. (۱۳۹۱). بیداری اسلامی و تحولات منطقه ای، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۵- افروغ، عماد. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی تصویری روشن از مقابله با استبداد بود. گرفته شده از <http://www.fardanews.com/fa/news>
- ۶- الویری، محسن. (۱۳۸۴). بیداری اسلامی از باورها تا نهادها در مجموعه مقالات بیداری اسلامی در چشم انداز آینده و هدایت آن. ج ۱، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب.
- ۷- برگر، پیترا. (۱۳۸۰). افول سکولاریسم، دین خیزش گر، سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، تهران، نشر مازیار.
- ۸- پور سعید، فرزاد. (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۲.
- ۹- توآل، فرانسوا. (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتایون باصر، تهران: نشر ویستار.
- ۱۰- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی الگوپذیری خیزش های جدید خاورمیانه و شمال آفریقا از مدل انقلاب اسلامی یا مدل آمریکایی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴.
- ۱۱- حاجتی، میراحمدرضا. (۱۳۸۴). عصر امام خمینی، قم، انتشارات بوستان.
- ۱۲- خواجه سروی، غلامرضا. (۱۳۹۱). نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۱۳- دوست محمدی احمد. (۱۳۹۲). تحولات انقلابی بحرین و بررسی سیاست خارجه ایران در قبال آن، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳.
- ۱۴- رضایی، مسعود، جهانیان، شهاب. (۱۳۹۳). انقلاب بحرین، بیداری اسلامی و علل ناکامی آن، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۶.
- ۱۵- روزنامه کیهان، مورخه: ۱۳۹۰/۲/۱۴
- ۱۶- زارعی، غفار. (۱۳۹۲). خود باوری اسلامی- ایرانی و جنبش ضد استبدادی در جهان اسلام، همایش ملی الگوی هویت اسلامی- ایرانی در چشم انداز ۱۴۱۵. تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
- ۱۷- سعید، بابی. (۱۳۷۹). هراس بنیادین، ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم، نشر زلال کوثر.
- ۱۹- فراز مند، محمد. (۱۳۹۲). فرصت ها و چالش های خیزش مردمی در بحرین، اخبار شیعیان، ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان، شماره ۹۱.
- ۲۰- قاسمیان، سلمان. (۱۳۹۱). بحرین و آل خلیفه، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۶۶.
- ۲۱- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۸۲). استبداد در ایران. تهران: نشر اختران.
- ۲۲- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۲). استبداد، دموکراسی و نهضت ملی. تهران: نشر مرکز.
- ۲۳- کوئن، بروس. (۱۳۸۲). مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضافاضل، انتشارت سمت.
- ۲۴- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- ۲۵- مرشدی‌زاد، علی و زاهد غفاری. (۱۳۸۶). «اسلام‌هراسی در اروپا ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، س ۳، ش ۲.
- ۲۶- محسنی تبریزی، علیرضا، بیگانگی. (۱۳۷۵). «مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، فصل‌نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱.
- ۲۷- محمدی، محسن. (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و استبداد تاریخی در ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۱.
- ۲۸- موثقی، احمد. (۱۳۸۵). مسائل جنبش‌های اسلامی، ماهنامه زمانه، سال پنجم، ش ۴۶-۴۵.
- ۲۹- نجفی، محمد صادق بلندیان، غلامحسین. (۱۳۹۲). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳.
- ۳۰- نش، کیت. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- ۳۱- هزاوه ای، مرتضی. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه، «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»، سال اول، شماره ۴.
- 32-Moorhead, Gregorey & Richyw Griffin. (2001). Organizational Bavior, managing people and organization, New York, Houghton Mifflin.
- 33-<http://www.entekhab.ir/fa>.
- 34- <http://www.entekhab.ir/fa>.
- 35-<http://islamtimes.org/fa/doc>.
- 36-<http://www.shia-news.com/fa>.